

Research Article

A Comparative Study of Moby-Dick and the Fire of the Noon Color Based on Will Wright's Variation Theory of Revenge

Zahra Khozaei Ravari^{1*}, Hamed Hosseinkhani²

Abstract

The present study compares the concept of revenge based on the characters, themes and content in Moby Dick, a novel by Herman Melville, a famous American writer of the Nineteenth century, and the color of the Noon Fire, a short story by Shahriyar Mandanipour, one of the most important writers of the third generation of Iranian fiction. Although works such as Moby Dick and the Color of Noon Fire have been studied separately from multiple perspectives, few attempts have been made to comparatively examine the concept of revenge. This article intends to study and compare the concept of revenge in Eastern and Western cultures in the mentioned works based on the concepts of personality and introspection. In the present study, first, the literary type of each work and the authors has been studied; followed by a summary of each of the selected literary work. In the next step, using qualitative method and content analysis, revenge based on characters, themes and plots in terms of the theory of Will Wright's variety of revenge is examined, and finally, the similarities and differences between the two works are examined comparatively with regard to Western and Eastern cultures. The result of these analysis shows that the characters of the two works are adaptable in terms of the concept of revenge in the literature; but they are not very adaptable in two different cultures, because in the Iranian-Islamic culture, the emphasis on forgiveness is very prominent and deep-rooted.

Keywords: Herman Melville, Moby Dick, Shahriyar Mandanipour, the color of the Noon Fire, Variation Theory of Revenge, Will Wright

1. Assistant Professor, Department of Foreign Languages, School of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, School of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

How to Cite: Khozaei Ravari Z, Hosseinkhani H., A Comparative Study of Moby-Dick and the Fire of the Noon Color Based on Will Wright's Variation Theory of Revenge, Journal of Comparative Literature Studies, 2024;18(70):18-42.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی موبی دیک و رنگ آتش نیمروزی با تکیه بر تئوری تنوع انتقام ویل رایت

زهرا خزاعی راوری^۱، حامد حسین خانی^۲

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی تطبیقی مفهوم انتقام بر پایه شخصیت‌ها، درون‌مایه و محتوا در رمان موبی دیک، اثر هرمان ملویل، نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم و داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی، اثر شهریار مندنی‌پور، نویسنده معاصر ایرانی می‌پردازد. این مقاله به مقایسه مفهوم انتقام در فرهنگ شرق و غرب در آثار یادشده، می‌پردازد. در تحقیق حاضر به بررسی نوع و قالب ادبی هرکدام از آثار پرداخته شده است. در مرحله بعد با روش کیفی به بررسی انتقام بر پایه شخصیت‌ها، درون‌مایه و پیرنگ بر حسب تنوع انتقام ویل رایت پرداخته شده است و در نهایت شباهت‌ها و تفاوت‌های دو اثر با توجه به فرهنگ غرب و شرق، مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. نتیجه این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شخصیت‌های دو اثر از لحاظ مفهوم انتقام در ادبیات قابل تطبیق هستند؛ ولی در دو فرهنگ متفاوت چندان تطبیق‌پذیر نیستند چرا که در فرهنگ ایرانی - اسلامی، تأکید بر عفو و گذشت برجسته و ریشه دار است.

واژگان کلیدی: موبی دیک، رنگ آتش نیمروزی، نظریه تنوع انتقام، ویل رایت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار، زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
۲. استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

ایمیل: zahrakhozaei@uk.ac.ir

نویسنده مسئول: زهرا خزاعی راوری

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳

مقدمه و بیان مسئله

از آنجایی که به شخص انتقام جو ظلمی رسیده است و یا او بر این باور است، وی درصدد است که به نحوی این ظلم را با انتقام جبران کند. طولانی تر شدن دوره ظلم و ارباب، بیشتر در منتقم انگیزه برای انتقام‌گیری ایجاد می‌کند. انتقام قدرتی است که از دیرباز زندگی و نگرش انسان‌ها را تحت تأثیر خود داشته است. طی قرن‌های متمادی به‌رغم اصرار و تأکید ادیان و مکاتب مختلف بر عفو و بخشش، عده‌ای به هیچ‌عنوان نمی‌توانند طرف مقابل خود را ببخشند و تنها به انتقام فکر می‌کنند. عده‌ای هم هستند که تعالیم دینی بر روح و روانشان سیطره داشته و گوش به فرمان دین بخشش را بر انتقام ترجیح داده‌اند. ور بخششی عفو بهتر کانتقام. (گلستان سعدی، باب پنجم حکایت بیستم در عشق و جوانی) از درون‌مایه‌های اصلی داستان‌های حماسی جهان می‌توان به کین‌خواهی و انتقام اشاره کرد که جنگ‌ها و اعمال جنگجویان این داستان‌ها به‌خاطر این دو صورت می‌پذیرد. شاهنامه فردوسی مشهورترین حماسه ملی ایران از شاهکارهایی است که درون‌مایه انتقام در آن موج می‌زند. داستان‌های سیاوش، کیخسرو، تهمینه و رستم، رستم و سهراب، رستم و اسفندیار از نمونه‌های بارز این درون‌مایه محسوب می‌شوند. درون‌مایه انتقام همچنین در آثار ادبی - اساطیری یونان نیز مشهود است. ایلیاد شاهکار هومر نیز چون شاهنامه فردوسی به درون‌مایه انتقام و کین‌خواهی می‌پردازد.

در توضیح ادبیات تطبیقی آنتونی تورلپی «ادبیات تطبیقی فی‌نفسه به هیچ‌اصلی به جز تطبیق، که مفیدترین ابزار برای تحلیل آثار هنری است، متعهد نیست و به جایی محدود کردن مقایسه آثار مکتوب در یک زبان، بهتر می‌داند که پژوهشگر در پی یافتن وجوه اشتراک این آثار در دیگر زبان‌ها باشد» (۴۷) بر همین اساس مقاله حاضر سعی در بررسی و مقایسه انتقام در رمان موبی‌دیک (ادبیات آمریکا) و داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی (ادبیات ایران) دارد تا بتواند گوشه‌ای از زوایای حائز اهمیت این دو اثر و چگونگی رویکرد نویسندگان آن‌ها به این مقوله را مورد بررسی قرار دهد و انگیزه روی آوردن به حس انتقام‌جویی را در این آثار بررسی کند. روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. ابتدا به نوع ادبی دو اثر اشاره شده و سپس خلاصه داستان‌ها و معرفی نویسندگان دو اثر ارائه شده است. در مرحله بعد شخصیت‌های انتقام‌جو در دو اثر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مفهوم انتقام بر پایه انتقام از دیگر مواردی است که مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به تطبیق دو اثر ادبی در دو فرهنگ عامه مجزا پرداخته خواهد شد.

تحقیق حاضر با هدف بررسی درون‌مایه انتقام و انگیزه صورت‌پذیری یا محقق نشدن آن در آثار داستانی یاد شده می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که چرا سرهنگ مینا از انتقام از یک حیوان دست می‌کشد و چرا ناخدا ایهاب سرسختانه به دنبال کین‌خواهی و انتقام‌جویی از یک حیوان است. بنابراین این تحقیق به بررسی انتقام بر پایه شخصیت‌ها، درون‌مایه و پیرنگ برحسب تنوع انتقام ویل رایت پرداخته و به مقایسه مفهوم انتقام در فرهنگ شرق و غرب در آثار یادشده خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش

مطالعات تطبیقی جایگاه ویژه ای در بررسی متون ادبی دارند و محققان گوناگونی به بررسی تطبیقی آثار فارسی با آثار ادبیات جهان پرداخته‌اند (کریمی و ملکی ۱۳۹۹، هریکنده‌ئی و بهنمیری ۱۴۰۰، عبدشاهی و محسنی ۱۴۰۰). رزاقی هریکنده‌ئی و جهانیان بهنمیری در «بررسی تطبیقی تمایز و یگانگی نفس و روح در معانی و کاربردها از دیدگاه ارسطو و ملاصدرا» (۱۴۰۰) به تمایز و یگانگی نفس انسان پرداخته‌اند.

عباسی زاده و سید صادقی (۱۳۹۹) در «تقابل اژدها با جانوران دیگر در اساطیر ایران و جهان» به نقش اژدها در اساطیر جهان در نابودی انسان و جهان پرداخته‌اند. نویسندگان اذعان می‌دارند که این اهریمن بدخو نه تنها با آدمیان بلکه با جانوران افسانه‌ای چون شیر و سیمرغ نیز در تقابل و نبرد است و پهلوانان و قهرمانان همواره در تلاش برای کشتن و از بین بردن این موجود بد سرشت بوده‌اند.

همچنین پژوهش‌های متعددی بر روی آثار مندنی‌پور و آثار هرمان ملویل نیز به‌طور مجزا صورت پذیرفته است. در مقاله «اسطوره‌ای شدن زمان در چند داستان کوتاه شهریار مندنی‌پور» (۱۳۹۰) محمدی، فاروقی هندو الان و صادقی به این مسأله پرداخته‌اند که آثار مندنی‌پور از جمله آثار ادبیات معاصر مدرنیستی است که از اسطوره در آنها استفاده شده است. از این رو در داستان‌های او علاوه بر اشارات سریع به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای در بسیاری از موارد همانند روایات اسطوره‌ای با بهره‌گیری از شیوه غیرخطی روایت، استفاده از چرخه‌های تکرار رویداد و حوادث نزدیک شدن زمان تقویمی به زمان حسی و بی‌اعتباری قیده‌های زمان و زمان تقویمی عینی و البته سیطره زمان ذهنی و کیفی روبه‌رو هستیم» (۱۶۲) چرا که جهان آشفته مدرن این‌گونه ایجاد می‌کند که «همهٔ گفتمان‌هایش سرشار از تناقض، بی‌انسجامی و قاعده‌گریزی» (محمدی، فاروقی هندو الان، صادقی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) باشد.

در «بینامتنیت در شرق بنفشه، اثر شهریار مندنی‌پور» (۱۳۹۲) حیدری و دارابی به وجوه اشتراک بین این اثر و آثار استفاده شده در متن اثر چون غزلیات حافظ، غزلیات شمس، بوف کور و تذکره‌الاولیا می‌پردازند و اذعان می‌دارند که نویسنده عمداً از این آثار استفاده کرده تا به نظامی معنایی در جهت رسیدن به مفهومی عرفانی دست یابد. از این رو نویسنده در طول داستان از «پیرنگ همسان، اعتقاد به هستی در نیستی و قدم نهادن به وادی فنا» (حیدری و دارابی، ۱۳۹۲: ۵۵) استفاده برده است. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که بررسی این اشتراکات که مضمونی شرقی دارند از دیدگاه بینامتنی به‌عنوان نظریه‌ای امروزی از مهم‌ترین دستاوردهای تحقیق حاضر است.

در «پیش‌نمون و انواع آن در داستان‌های مندنی‌پور» (۱۳۹۱) محمدی و کریمی به بررسی شخصیت‌های منحصر به فرد و پیش‌نمون‌ها و انواع آن چون پیش‌نمون‌های هنری، ادبی، سیاسی در آثار داستانی مندنی‌پور پرداخته‌اند. «مندنی‌پور شخصیت‌ها را آن‌چنان قوی و پیچیده می‌آفریند که خواننده حین خواندن داستان متوجه منشأ شخصیت نمی‌شود و در دوباره‌خوانی دقیق و موشکافانه است که پیش‌نمون‌ها خودشان را آرام آرام نشان می‌دهند» (محمدی و کریمی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

در «برجسته‌سازی‌های زبانی در داستان کوتاه شرق بتفشه اثر شه‌ریار مندنی‌پور (بر مبنای چارچوب زبان‌شناختی دیوید لیچ)» (۱۳۹۲) طلائی، فقیه‌پیان و نصرافه‌پانی به برجسته‌سازی‌های زبانی شامل هنجارگریزی (سبکی، واژگانی، تاریخی و معنایی) و توازن (ساختاری و معنایی) در این داستان کوتاه پرداخته‌اند. مؤلفین اذعان می‌دارند که برای نشان دادن عشق‌ورزی در بین دو شخصیت داستانی‌اش به ساختار زبان توجه کرده است. «حذف افعال بی‌قرینه یا با قرینه، انواع صنایع بدیعی و بیانی، جابجایی اجزای جمله، همه و همه دست به دست یکدیگر داده‌اند تا روایت‌گر عشق ذبیح و ارغوان باشند. به عبارت دیگر زبان خاص مندنی‌پور ابزاری است مؤثر در خدمت انتقال محتوا» (طلائی، فقیه‌پیان و نصرافه‌پانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

در «رمزگان‌شناسی «حیوان» در داستان‌های کوتاه شه‌ریار مندنی‌پور» (۱۳۹۳) ملک مرزبان و کریمی به بررسی رویکرد نشانه‌شناختی مبتنی بر مطالعه رمزگان‌های بارت شامل سه دسته رمزگان‌های دالی، نمادین و فرهنگی پرداخته‌اند. در داستان‌های انتخابی، محققین حیوانات را به مثابه رمزگان‌هایی مهم اشاره شده نشان می‌دهند. حیوانات باغ وحش در داستان «سایه‌ای از سایه‌های غار» رمزگان نمادین و دالی. مورچگان در داستان «خمیازه در آینه» رمزگان دالی و نمادین، سگ در داستان «بشکن دندان سنگی» رمزگان فرهنگی، مار در داستان «مومیا و عسل» رمزگان دالی، شیر در داستان «ناربانو» رمزگان دالی را به نمایش گذارده‌اند.

در «تحلیل ساختاری سه داستان کوتاه (شرق بنفشه، شام سرو و آتش و ناربانو) شه‌ریار مندنی‌پور» (۱۳۹۳) خان محمدی، مالمیر و مرادی با استفاده از آراء نظریه‌پردازان ساختارگرا: بارت، برمون و تودوروف، سه داستان کوتاه از شه‌ریار مندنی‌پور با عناوین شرق بنفشه، شام سرو و آتش ناربانو بررسی کرده و «سادگی و دشواری روایت، نوع راوی و ژرف ساخت داستان‌ها» را مشخص کرده‌اند و از هر یک از نظریه‌پردازان یاد شده مفاهیم پی‌رفت، ساختار روایت، تشخیص نوع راوی، نظم، لحن و ترکیب روایت و بسامد در روایت را استفاده کرده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده بیش از محتوای داستان‌ها به نوع روایت آن‌ها اهمیت داده است.

در مقاله «آدمخواری، برده‌داری و خود مصرفی در موبی‌دیک^۱» (۲۰۰۷) پتی^۲ اظهار می‌دارد که ملویل از لفظ آدمخواری برای حمله به نهادهای ظالمانه برده‌داری و سرمایه‌داری که فرهنگ آمریکایی را می‌خورد، استفاده کرده است. آدمخواری به‌عنوان استعاره‌ای اجتماعی - سیاسی که ملویل با آن به سیستم ارزش‌های ریاکارانه آمریکا حمله می‌کند به کار گرفته شده است. ملویل از این مفهوم به صورت تمثیلی و نمادین مقهور و مصرفی بودن انسان‌ها را نشان می‌دهد. برای او صنعت «صید نهنگ»، نماد کاملی از سرمایه‌داری روزگار خودش، محسوب می‌شود. از ابتدای سفر پیکود (نام کشتی) ملویل توجه خواننده را به ارتباطات بین انواع آدمخواری و کار برده‌ها برای نشان دادن پایه‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری فاسد آمریکای قرن نوزدهم جلب می‌کند.

1 Cannibalism, Slavery, and Self-Consumption in Moby-Dick

2 Homer B. Pettey

کراوُورد^۱ در «اشیاء هیولایی: موبی دیک و وسواس جنون آمیز»^۲ (۲۰۱۲) می‌گوید: وسواس جنون آمیز تشخیصی است که اسماعیل (یکی از شخصیت‌های رمان) و منتقدان یک قرن برای توصیف و متهم کردن ایهاب انعطاف‌ناپذیر استفاده کرده‌اند. وسواس جنون آمیز، به‌عنوان نشانه‌ای از، هیولایی غیرقابل تردید، عمل می‌کند زیرا با خود طنین فرمان مقهور کردن شیئی ترسناک را به همراه دارد که آن هم به منظور شناختن آن که توسط روان‌پزشکان قرن نوزدهم وصف شده است. ایهاب به‌عنوان نماد تاریخی هیولا عمل کرده است. چهره‌اش نگاه خیره‌کننده و خشمگین بدترین ستمگران قرن را تداعی می‌کند. همانندسازی ایهاب با شرارت تاریخی است و بنابراین قابل بازگشت است.

فیلیپوویک^۳ در «تعالی در موبی دیک هرمان ملویل^۴» (۲۰۱۵) به بررسی تعالی در این رمان بر اساس رساله فلسفی ادموند بورک می‌پردازد. بورک تعالی را عمدتاً از طریق تصاویر پدیده‌های طبیعی ارائه می‌دهد. او توضیح می‌دهد که تعالی هر کیفیت یا شیئی است که قادر به برانگیختن ایده وحشت و ترس باشد. شرح تجربی - طبیعی تعالی بورک بر روی شخصیت‌های رمان موبی دیک قابل بررسی است. به همین مناسبت محقق اسماعیل، ایهاب و موبی دیک به‌عنوان سه شخصیت اصلی که در تعالی نقش دارند را برای بررسی در نظر گرفته است. موبی دیک در درجهٔ اول، مظهر تعالی موجود در طبیعت است (بعد جسمانی). علاوه بر این، تعالی حالت فرازگرایی است که نقش اساسی در شخصیت‌های اسماعیل و ایهاب بازی می‌کند. پژوهشگر این ادعاها را مطرح می‌کند که تعالی طبیعتی پویا دارد و اینکه بخشی از تقابل‌های دوگانه نیست که کیفیت یا شیئی در خود بدون تناقض داشته باشد. بورک اذعان می‌دارد که در کنار خصوصیات مثبت تعالی، ویژگی‌های منفی نیز وجود دارند که فیلیپوویک از آن‌ها برای بررسی شخصیت‌های رمان استفاده کرده است. ویژگی‌هایی چون حس تسخیر در ناخدا ایهاب، بی‌نظمی در اسماعیل و شیطانی و غیرقابل تحمل بودن نهنگ سفید.

ضرورت و اهمیت تحقیق

مبانی نظری

از جمله نویسندگانی که به انواع شخصیت‌های داستانی پرداخته‌اند می‌توان به جوزف کمبل^۵، اسطوره شناس آمریکایی که در کتاب **قهرمان هزار چهره**^۶ (۱۹۴۹) به بررسی سیر قهرمان که شامل عزیمت، آیین تشریف و بازگشت هستند اشاره کرد. دیگر نویسنده مطرح در این حوزه ولادیمیر پراپ^۷ نظریه پرداز روسی

1 Ryan Crawford

2 Monstrous Objects: Moby-Dick and Monomania." *Monstrosity in Literature, Psychoanalysis, and Philosophy*

3 Jelena Filipovic

4 The Sublime in Herman Melville's Moby-Dick

5 Joseph Campbell

6 The Hero with a Thousand Faces

7 Vladimir Propp

است که در نظریه خود «ریخت شناسی قصه های پریان^۱» قهرمانان این قصه‌ها را در قالب هفت نوع شخصیت تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از:

۱. شخص خبیث
۲. عطا کننده (بخشنده)
۳. یاریگر
۴. شخص مورد جستجو
۵. اعزام کننده
۶. قهرمان (جوینده یا قربانی)
۷. قهرمان دروغین

کلود برمان^۲ نشانه شناس فرانسوی نیز تغییراتی در مدل پراپ بوجود آورد و مدل پیشنهادی خود را در رابطه با شخصیت های داستان‌ها چنین مطرح کرد:

۱. زوال (خرابکاری از نقطه نظر قربانی)
۲. بهبود (رفع خرابکاری)
۳. رفتار خارج از نزاکت (خرابکاری از نقطه نظر دشمن، طرح در مورد قهرمان)
۴. مکافات
۵. خدمت (گذراندن تجربه اولیه یا اصلی)
۶. پاداش.

ویل رایت^۳ سیزده عملکرد را برای پیرنگ انتقام معرفی می‌کند و بیشترین تنوع ساختاری آن را ارائه می‌دهد:

- ۱- قهرمان عضوی از جامعه بوده یا هست.
- ۲- افراد شرور به قهرمان و یا به جامعه آسیب می‌رسانند.
- ۳- جامعه توانایی تنبیه افراد شرور را ندارد.
- ۴- قهرمان به دنبال انتقام است.
- ۵- قهرمان از جامعه بیرون می‌رود.
- ۶- قهرمان نشان می‌دهد که توانایی خاصی دارد.
- ۷- جامعه تفاوت بین خود و قهرمان را تشخیص می‌دهد: به قهرمان جایگاه ویژه‌ای اعطا می‌شود.
- ۸- نماینده‌ای از جامعه از قهرمان می‌خواهد انتقام‌گیری خود را رها کند.
- ۹- قهرمان انتقام‌گیری خود را رها می‌کند.

1 Morphology of Fairy tales
2 Claude Bremond
3 Will Wright

۱۰- قهرمان با افراد شرور جنگ می‌کند.

۱۱- قهرمان افراد شرور را شکست می‌دهد.

۱۲- قهرمان جایگاه ویژه خود را از دست می‌دهد.

۱۳- قهرمان به جامعه برمی‌گردد.

این ساختار روایی شباهت‌هایی با پیرنگ کلاسیک دارد و از جنبه‌های مهمی با آن متفاوت است. به‌طور کلی می‌توان گفت که در هر دو پیرنگ حرکتی از قهرمانی منزوی در جامعه وجود دارد. همچنین در هر دو پیرنگ جامعه به صورت ضعیف و بی‌کفایت در مقایسه با قهرمانان و افراد شرور قوی و با کفایت به تصویر کشیده شده‌اند. در پیرنگ انتقام جامعه دیگر به قهرمان برای بقاء احتیاج ندارد او مستقیماً با جامعه درگیر نیست بلکه او مستقیماً درگیر با افراد شرور برای میل شدیدش به انتقام است. بنابراین در پیرنگ کلاسیک قهرمان سعی در اجتناب از افراد شرور دارد در حالیکه در داستان انتقام قهرمان سعی در اجتناب از جامعه دارد. در هر دو مورد قهرمان موفق نیست اما تصویر جامعه تغییر یافته است.

بحث

یکی از نویسندگانی که در دهه‌های اخیر به موضوع انتقام پرداخته ویل رایت نویسنده آمریکایی است که در بخشی از کتاب خود با عنوان «شش اسلحه و جامعه، مطالعه ساختاری از فیلم‌های غربی» (۱۹۷۷) به بحث تنوع انتقام در چند فیلم دنیای غرب پرداخته است. به گفته وی تنوع انتقام کمابیش از پیرنگ کلاسیک پیروی می‌کند. ساختار داستان انتقام همچنین نشان می‌دهد که این نوع داستان از تغییر ساختار پیرنگ کلاسیک گسترش یافته است که در آن فاصله مفهومی بین قهرمان و جامعه دیگر به همان اندازه نسخه کلاسیک ساده، واضح و روشن نیست. بر خلاف قهرمان کلاسیک که به‌خاطر قدرتش و ضعف جامعه به آن می‌پیوندد، قهرمان انتقام جامعه را به‌همین علت ترک می‌کند. به‌علاوه قهرمان کلاسیک به‌خاطر ارزش‌های جامعه وارد جنگ می‌شود، در حالیکه قهرمان انتقام به‌همین علت وارد جنگ نمی‌شود. بنابراین تنوع انتقام نشانگر تغییر در روابط قهرمان و جامعه است که به‌نظر می‌رسد شروع یک نزول پایدار در تحول درون مایه و پیرنگ باشد. در بررسی درون‌مایه انتقام در دو اثر انتخابی این مقاله از نظرها و پیشنهادهای رایج استفاده می‌شود.

کادن در **فرهنگ ادبیات و نقد** (۱۳۸۰) بدین‌گونه رمان را تعریف می‌کند: «رمان یک قالب داستانی یا روایت منثور است که شامل شخصیت‌ها، عمل و حادثه، و شاید یک طرح است... حادثه و شخصیت تقریباً تفکیک‌ناپذیرند. پس طرح حتی طرح جزئی میل به گسترش دارد هر چند مؤلف بخواهد از آن جلوگیری کند.» (کادن، ۱۳۸۰: ۲۷۳). داد رمان را «شرح و نقلی از زندگی و دربرگیرنده عواملی چون کشمکش، شخصیت، عمل داستانی، صحنه، پیرنگ و درون‌مایه» (داد، ۱۳۷۵: ۱۴۴) تعریف می‌کند. قالب ادبی رنگ آتش نیمروزی داستان کوتاه است. از لحاظ ساختاری داستان کوتاه مثل رمان است فقط پیچیدگی‌هایی را

که در پیرنگ، صحنه، درون مایه‌ای را که در رمان هست در داستان کوتاه نداریم. تعریف ساده و در عین حال جامعی را ادگار آلن پو در سال ۱۸۴۲ از داستان کوتاه دارد: «روایت منثوری که مطالعه‌اش مدتی بین نیم تا یک یا دو ساعت طول بکشد. داستانی که بر گرد یک اثر منفرد و یگانه متمرکز است و تمامیت و کلیت اثر موضوع اصلی آن است» (کادن، ۱۳۸۰: ۴۱۴).

تطبيق انتقام بر پایه شخصیت‌ها

از آنجا که شخصیت‌های اصلی انتقام‌گیرنده در موبی دیک ناخدا ایهاب و در رنگ آتش نیمروزی سروان مینا هستند، در بررسی این دو اثر به تجزیه و تحلیل این شخصیت‌ها بسنده می‌شود. آنچه در نگاه نخست توجه خواننده را به خود جلب می‌کند شباهتی است که بین قهرمان‌های دو اثر وجود دارد. ناخدا ایهاب مردی مغرور و درون‌گرا است. در بدو ورود به کشتی هیچ یک از خدمه ایهاب را نمی‌بینند و اولین باری که دیده می‌شود چند روز بعد از حرکت کشتی از مبدأ است. اسماعیل ایهاب را این چنین وصف می‌کند:

«قامت بلند و سینه سطریش به‌نظر منجمد و تغییرناپذیر می‌رسید. علامتی باریک و سفید از میان موهای بلندش تا زیر یقه لباسش ادامه داشت. اینکه آیا این علامت یک نشان مادرزاد بود یا آنکه در اثر زخمی بر جای مانده بود، برای هیچ کس به درستی روشن نبود. ظاهر او چنان گیرنده و با صلابت بود که من برای لحظاتی متوجه نشدم که تمام خشونتش بخاطر پای سفیدیست که روی آن ایستاده. قبلاً شنیده بودم که او این پای سفید را بر روی دریا از استخوان یک نهنگ ساخته است.» (ملویل، ۱۳۶۹: ۲۴)

آنچه در اولین دیدار توجه اسماعیل را جلب می‌کند این است که ایهاب «با سری افراشته حرکت کشتی را بر دل اقیانوس‌ها نظاره می‌کند. نیروی اراده و تصمیم را می‌شد در نگاه ثابت و بدون ترسش خواند» (شایسته، ۲۴). به دلیل نوع شخصیت‌پردازی ایهاب نمی‌توان او را یک قهرمان کلاسیک خواند چرا که حس انتقام‌جویی و کینه‌ورزی او را از داشتن ویژگی‌های قهرمان کلاسیک دور کرده و به قهرمان انتقام‌جو ویل رایت معرفی کرده نزدیک می‌کند.

از ویژگی‌های دیگری که در شخصیت ایهاب وجود دارد ایجاد حس رقابت و هیجان برای به دست آوردن یک جایزه بزرگ است. هنگامی که وی با نشان دادن یک سکه طلای اسپانیایی به خدمه کشتی ایشان را به هیجان وادار می‌کند که هرکس که خبر یافتن نهنگ سفید را بدهد صاحب آن سکه خواهد شد، دائماً ایشان را به یافتن هدفش تشویق می‌کند.

در فصل چهارم از رمان خواننده با یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی ایهاب در مناظره او با استارباک نایب ارشد کشتی در مورد شکار نهنگ سفید آشنا می‌شود و آن تأثیر نگاه انتقام‌ایهاب بر روی اعتقادات مذهبی‌اش است. استارباک اذعان می‌دارد که به این سفر دریایی آمده برای صید نهنگ نه برای گرفتن انتقام. «ناخدا ایهاب شما می‌خواهید از یک جانور بی‌شعور که فقط از روی ترس شما را مجروح کرده انتقام بگیرید. این یعنی دیوانگی! ناخدا! انتقام گرفتن از یک جانور یعنی مخالفت و اهانت به خدا» و ایهاب در

جوایش چنین می‌گوید: «با من از اهانت به خدا حرف نزن، مرد! من اگر خورشید هم به من اهانت کرده باشد با آن مبارزه خواهم کرد. من انتقام خودم را از این نهنگ لعنتی خواهم گرفت» (ملویل، ۱۳۶۹: ۲۹)

با تحلیل شخصیت سروان مینا در داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی خواننده به نکاتی برخورد می‌کند که شباهت‌های ایهاب و سروان مینا را پررنگ می‌سازد. تصویری که مندنی پور از سروان به ما نشان می‌دهد این‌گونه است: «او آدم زمختی بود، حرف کسی را گوش نمی‌داد، با آن چشم‌های سردش طوری به آدم نگاه می‌کرد انگار که دارد فکر می‌کند اگر با طرف درگیر شد، چطور گردنش را بشکند» (مندنی پور، ۹). سروان فردی درون‌گرا است. شهریار راوی داستان، سروان را انسان افسرده‌ای که روح، جسم، جان و تمام هستی او را فرا گرفته است معرفی می‌کند:

شش هفت سال این جنگ فرسوده‌اش کرده بود. حالت‌هایی عصبی و از خود بیخود داشت...
قرص‌هایی هم می‌خورد که هر چه باشند به مزاج یک افسر تیپ هوابرد نمی‌سازد... چند بار ترکش خمپاره خورده بود و بعد از دو سه بار جراحی، هنوز چند ترکش نزدیک مهره‌های کمرش مانده بود. صاف می‌نشست و خیره می‌ماند (مندنی پور، ۱۰)

علاوه بر این ویژگی، ویژگی دیگری هم در شخصیت سروان جلب توجه می‌کند که در حین معرفی او توسط راوی شرح داده می‌شود و آن هم قساوت قلب سروان در شکار حیوانات است. «او چند بار تفنگ‌های مرا از توقیف شکاربان‌ها آزاد کرد. بعدش دیگر با هم قاچاقی می‌زدیم به شکارگاه سلطنتی و شکار می‌زدیم. با من بود که طعم جگر هنوز زنده آهوی شکاری را چشید. یادش دادم جگر گرم را به سنگ داغ کنار آتش بچسباند و هنوز خون‌دار به نیش بکشد» (مندنی پور، ۱۳۹۶: ۹).

«در شکارهایمان من و سروان، یک بار، فقط یک بار از نگاه آهوی زخمی درمانده شده بودیم. تیره پشتش شکسته بود از ضرب گلوله، نصفه فلج تنش را می‌کشید روی زمین آهو. بهش که رسیدیم دیگر جُرم نخورد. دم‌های شبانگاه بود، توی نگاهش نه ترس بود نه طلب ترحم. ما، چه چنهان خشکمان زد. نمی‌شود بگویم ترساندمان نگاه آهو، یک حالتی داشتیم که ترس هم بود و فقط ترس نبود. پشیمانی بود و فقط پشیمانی نبود. ولی بالأخره سروان مینا با کارد از آه‌ای شاه‌رگ آهو را زد» (مندنی پور، ۱۰). به این ترتیب سروان نیز همان قساوتی را که ایهاب در برابر موبی دیک احساس می‌کند در وجود خود دارد و نشانه‌های این قساوت در تمام طول داستان با از دست رفتن دختر کوچک سروان توسط پلنگ برای خواننده ملموس و قابل مشاهده است.

جنبه دیگری از شخصیت سروان مینا هم هست که او را بیش از پیش به ایهاب ملویل نزدیک می‌کند و آن تصمیم به گرفتن انتقام از یک حیوان (پلنگ) است. جانوری که از روی غریزه وحشی‌گری چنین عملی را مرتکب شده است. تعلقات و دلبستگی‌های سروان نسبت به کودکش او را مصمم به کشتن پلنگ کرده بود. همان‌طور که ایهاب تصمیم به نابودی نهنگ غول‌آسا دارد، این میل دهشتناک قوی در این دو شخصیت می‌تواند به تباهی هر دو انجام پذیرد.

با وجود این، شباهت های رمان ملویل و داستان کوتاه مندنی پور تنها به شباهت های بین قهرمانان انتقام این دو اثر محدود نمی شود. در هر دو اثر قدرت فرا بشری (خداوند) شخصیت محوری داستان را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار می دهد بدین گونه که قدرت مافوق بشری جاری در طبیعت و زندگی انسان ها قهرمانان انتقام را مورد نقد قرار می دهد. در رمان موبی دیک نهنگ سفید که مظهر قدرت خداوند است مورد تعقیب و جراحی قرار می گیرد و این پیامد مرگ ایهاب را به همراه دارد. در داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی، سروان مینا در ابتدا قصد کشتن پلنگ را دارد تا انتقام کشته شدن کودکش را از این حیوان درنده بگیرد ولی در پایان با اینکه توانایی این کار را داشت، از کشتن حیوان منصرف می شود چرا که وجود فرزندش را در وجود پلنگ می بیند.

مفهوم انتقام بر پایه درون مایه

درون مایه عنصر، حادثه، شعار یا اصلی است که مکرراً در ادبیات به کار می رود... به نظر اصلی یک نویسنده در اثرش درون مایه می گویند. آنچه نویسنده درباره آن می نویسد موضوع و عقیده نویسنده درباره موضوع درون مایه نامیده می شود. (میرزایی، ۱۳۸۹: ۳۷). درون مایه اصلی دو اثر انتقام است. انتقامی که به خاطر آن ایهاب خود را به ورطه هلاکت می کشاند و سروان مینا با «چشمانی که از کینه سوخته اند» (مندنی پور، ۱۳۹۶: ۱۶) خود را برای مقابله با پلنگی که جگر گوشه اش را درانده بود آماده می کند. از سبزه عملکرد مطرح شده توسط رایت، پنج عملکرد در موبی دیک و هشت عملکرد در رنگ آتش نیمروزی مورد استفاده قرار گرفته اند و در بعضی موارد با چندین عملکرد مطرح شده توسط رایت در تناقض هستند..

در رمان موبی دیک ایهاب، (ضد) قهرمان داستان عضوی از جامعه که خدمه کشتی هستند است و نهنگ سفید که به ایهاب آسیب رسانده شرور محسوب می شود. تقریباً می توان گفت که هیچ ناخدا یا ملوانی در جامعه دریایی توانایی مقابله با نهنگ غول آسا را ندارد و حتی از رویارویی و مقابله با آن شانه خالی می کند. ایهاب، قهرمان داستان در پی انتقام از موبی دیک (شرور) است چرا که حیوان در گذشته کشتی اش را نابود کرده و یکی از پاهایش را از زانو قطع کرده است. استارباک، نماینده جامعه کشتی از ایهاب می خواهد که انتقام گیری از موبی دیک، حیوانی بی ادراک که برای دفاع از جان خود به ایهاب حمله کرده است، را رها کند چرا که این کار را از روی قصد و شعور انجام نداده است. با این حال ایهاب دست از انتقام نمی کشد و با شرور می جنگد تا جایی که جان خود و دیگر خدمه کشتی را به خطر انداخته و همگی را به کام مرگ می کشد. در داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی سروان مینا قهرمان داستان عضوی از جامعه محسوب می شود و پلنگ که دختر سه ساله سروان را شکار کرده و به او و همسرش آسیب رسانده شرور است. جامعه روستا توانایی تنبیه شرور را ندارند و فقط از تعلقات و دام های خود در برابر شرور محافظت می کنند تا به آنها حمله نکند و آسیبی نرساند. سروان به دنبال انتقام از پلنگ است و با زخمی کردن حیوان نشان می دهد که توانایی خاصی در جهت شکار و تباهی پلنگ را دارد. شهریار نماینده جامعه سروان را ترغیب می کند که هر چه سریع

تر پلنگ را از پای درآورد و انتقام خود و همسرش را از حیوان بگیرد. سروان با پلنگ جنگ می‌کند ولی با وجود توانایی شکست پلنگ شرور، انتقام‌گیری خود را رها می‌کند چرا که حس می‌کند خون پلنگ با خون دخترش درهم آمیخته و او نمی‌تواند خون دخترش را هدف قرار دهد و در پایان به جامعه خود بازمی‌گردد.

شباهت‌ها و تفاوت‌های دو اثر بر پایه فرهنگ غرب و شرق

در این مقاله دو اثر ادبی در زمینه ادبیات انتقام از دو ملیت متفاوت بر اساس شخصیت‌شناسی و درون‌مایه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. هر یک از نویسندگان بر اساس ذهنیت متفاوتشان به شیوه خاص خود آثاری را خلق کرده‌اند که از لحاظ مضامین ادبی قابل تطبیق هستند. در تحقیق حاضر، شخصیت‌ها و درون‌مایه از مشترکات بین این دو اثر ادبی هستند. قهرمانان هر دواثر قصد گرفتن انتقام از حیوانات را دارند. انتقام میلی ذاتی در انسان است که در موقعیتی که بدی یا خیانتی شده بروز می‌دهد و شخص را وادار به تنبیه یا مجازات کردن عامل خیانت می‌کند. در رمان موبی دیک نهنگ سفید ناخدا ایهاب را مجروح کرده و تخم کینه را در دل او کاشته است و در داستان کوتاه رنگ آتش نیمروزی پلنگ فرزند سروان مینا را شکار کرده و حس دیوانه‌کننده انتقام را در او برانگیخته است. یکی از مواردی که فرد را در ناراحتی، رنجش و بدخلقی نگه می‌دارد، نداشتن بخشش است. در رمان موبی دیک ناخدا ایهاب مصرانه در پی انتقام است و به سخنان اطرافیان برای منصرف کردن او طرفی نمی‌بندد و در آخر این حس انتقام جویی او را به هلاکت می‌کشاند. این در حالیست که در نقطه مقابل آن مندنی پور با ترسیم سرهنگ مینا در صورت نظر کردن از کشتن پلنگ و رها کردن حیوان این آموزه اخلاقی فرهنگ ایرانی را برجسته می‌کند. این نکته را می‌توان در اهمیت عفو و بخشش به‌عنوان یکی از آموزه‌های اخلاقی فرهنگ ایرانی دانست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله دو اثر ادبی از دو ملیت متفاوت بر اساس شخصیت‌های انتقام‌جو و درون‌مایه انتقام مورد بررسی قرار گرفتند. هر یک از نویسندگان بر اساس ذهنیت متفاوتشان و به شیوه خاص خود آثاری را خلق کرده‌اند که از لحاظ مضامین ادبی قابل تطبیق هستند. پس از بررسی دقیق دو اثر، با تکیه بر تنوع انتقام ویل رایت تشابه‌های ادبی آن‌ها نمایان شد. تشابه‌ها در زمینه شخصیت‌شناسی نشان داد که دو شخصیت برجسته از این دو اثر یعنی ناخدا ایهاب موبی دیک و سروان مینا رنگ آتش نیمروزی از لحاظ کین‌جویی و انتقام‌گیری در دو فرهنگ غرب و شرق قابل تطبیق هستند. ویژگی مشابه دیگر در دو اثر استفاده از مضامین انتقام در شخصیت‌ها، پیرنگ و درون‌مایه دو اثر از دیدگاه ویل رایت است که قهرمانان را ضد قهرمان معرفی می‌کند. در پیرنگ جامعه ضعیف و بی‌کفایت و در مقایسه قهرمانان و افراد شرور قوی و با کفایت به تصویر کشیده می‌شوند. درون‌مایه شدیداً سمت و سویی انتقام‌جویانه را دنبال می‌کند.

تفاوت بین دو اثر در نقطه پایانی آنها است. در جایی که ایهاب تا آخرین نفس دست از کینه‌توزی و انتقام نمی‌کشد ولی سروان مینا درست در زمانی که قادر به انتقام است دست از این کار می‌کشد. نقطه پایانی دو اثر نشان‌دهنده تفاوت در دو فرهنگ مجزا است چرا که فرهنگ ایرانی عفو و گذشت را بر انتقام ترجیح می‌دهد. همچنین وجه عاطفی فرهنگ شرق برجسته‌تر معرفی می‌شود و از نظرگاهی در آمیختگی وجود آدمی با طبیعت به شکل رمزی در ریشه‌های فرهنگی شرق مورد توجه است.

منابع

- پراپ، ولادیمیر. ۱۳۶۸ ش، **ریخت شناسی قصه**، ترجمه مدیا کاشیگر. تهران: انتشارات میخک.
- پراور، زیگبرت. ۱۳۹۳ ش، **ادبیات تطبیقی چیست؟**، ترجمه علی‌رضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، **مجله ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)**، پیاپی ۹، صص ۳۶-۴۸.
- حیدری، فاطمه و دارابی، بیتا. ۱۳۹۲ ش، **بینامتنیت در شرق بنفشه**، اثر شهریار مندنی‌پور **مجله جستارهای زبانی**. دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، صص ۷۴-۵۵.
- خان محمدی، محمدحسین و مالمیر، تیمور و مرادی، گلاله. ۱۳۹۳ ش، **تحلیل ساختاری سه داستان کوتاه (شرق بنفشه، شام سرو و آتش و ناربانو) شهریار مندنی‌پور**، **فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند-ج**، شماره ۲۱، صص ۸۲-۵۱.
- خالد حفظی عبدالأمیر التیمی و آقائی، مهرداد. ۱۳۹۹ ش، **بررسی تطبیقی دعا و نیایش در اشعار نظامی گنجوی و جمیل صدقی الزهاوی**. **مطالعات ادبیات تطبیقی**.
- داد، سیما. ۱۳۷۵ ش. **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چاپ دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- رزاقی هریکنده ئی، هادی و سمیه جهانیان بهنمیری. ۱۳۹۸ ش. **بررسی تطبیقی تمایز و یگانگی نفس و روح در معانی و کاربردها از دیدگاه ارسطو و ملاصدرا**، **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۰، صص ۲۱۹-۲۲۷.
- صادقی سهل آباد، زینب. محمد حسن تقی زاده. ۱۳۹۶ ش، **بررسی و توصیف اجمالی نظریه ریخت شناسی پراپ**. **اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی**.
- طلائی، مولود و فقیهیان، نعیمه و نصر اصفهانی، محمدرضا. ۱۳۹۲ ش، **برجسته‌سازی‌های زبانی در داستان کوتاه شرق بنفشه اثر شهریار مندنی‌پور (بر مبنای چارچوب زبان‌شناختی دیوید لیچ)**. **ادبیات پارسی معاصر**، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**. شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۳.
- عباسی زاده، محمد و سید صادقی، محمود. ۱۳۹۹ ش، **تقابل ازدها با جانوران دیگر در اساطیر ایران و جهان**. **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال چهاردهم، شماره ۵۵، پاییز ۹۹۱۱؛ صص ۲۷۱-۲۹۰.
- عبد شاهی، فاطمه و محسنی، محمد رضا. ۱۳۹۹ ش، **بررسی تطبیقی اشعار ایدئولوژیک احمد شاملو و پل الوار**. **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۰، صص ۲۹۱-۳۰۸.
- فقیه ملک مرزبان، نسربین و کریمی، طاهره. ۱۳۹۳، **رمزگان شناسی «حیوان» در داستان‌های کوتاه شهریار مندنی‌پور**. **فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی**، شماره ۳، صص ۹۱-۱۰۸.
- کادن، جی. ای. ۱۳۸۰ ش، **فرهنگ ادبیات و نقد**، ترجمه کاظم فیروزمند. چاپ اول، تهران: نشر شادگان.
- کریمی، محمد و ملکی، ناصر. ۱۳۹۷ ش، **بررسی تطبیقی دریافت در رمان «دوبلینی‌ها» اثر جویس و «زنده بگور» صادق هدایت**. **مطالعات ادبیات تطبیقی**، سال چهاردهم، شماره ۶۵، زمستان ۹۹۱۱؛ صص ۳۱-۵۲.
- کمپبل، جوزف. ۱۳۸۵ ش، **قهرمان هزار چهره**. ترجمه شادی خسرو پناه. چاپ اول، مشهد: نشر گل آفتاب.

محمّدزاده، مریم. ۱۳۹۷ش، انتقام و انگیزه‌های آن در شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر، *مجله ادبیات تعلیمی*. شماره ۳۹. صص ۱۸۹-۲۱۴.

محمّدی، ابراهیم و فاروقی هندو الان، جلیل‌اله، و صادقی، سمیه. ۱۳۹۰ش اسطوره‌ای شدن زمان در چند داستان کوتاه شهریار مندنی‌پور. *فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۷۰. صص ۱۳۷-۱۶۶.

محمّدی، محمدحسین و کریمی، طاهره. ۱۳۹۱ش، پیش‌نمون و انواع آن در داستان‌های مندنی‌پور. *فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، سال اول، شماره اول. صص ۹۶-۱۰۹.

ملویل، هرمان. ۱۳۶۹ش، *نهنگ سفید (موبی دیک)*. ترجمه خسرو شایسته. چاپ دوم. تهران: نشر سپیده.

مندنی‌پور، شهریار. ۱۳۹۶ش، *ماه نیمروز هشت داستان*. چاپ هشتم. تهران: نشر مرکز.

Crawford, R. (2012). "Monstrous Objects: Moby-Dick and Monomania." *Monstrosity in Literature, Psychoanalysis, and Philosophy*. Eds. Unterthurner, Gerhard and Erik M. Vogt. Berlin: the Deutsche National bibliothek.

Filipovic, J. (2015). "The Sublime in Herman Melville's Moby-Dick." *Heinrich-Heine-Universität Düsseldorf*.

Petty, H. B. (2007). "Cannibalism, Slavery, and Self-Consumption in Moby-Dick." *Herman Melville's Moby-Dick*. Ed. Sickels, Amy. New York: Bloom's Literary Criticism.

Wright, W (1977). *Sixguns and Society: A Structural Study of the Western*. London: University of California Press

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خزاعی راوری زهرا، حسین‌خانی حامد، بررسی تطبیقی موبی دیک و رنگ آتش نیمروزی با تکیه بر تئوری تنوع انتقام ویل رایت، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۴۲-۱۸.